گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۷۷۳۶
دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ ۱۱:۱۲

گفتگوی اختصاصی با «مهتاب یوسف پور» شاعر و ترانه سرا

مهتاب یوسف پور، متولد شهر باران های نقره‌ای، کارشناس روانشناسی و کاردانی شیلات، شاعر و ترانه سرا...

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، مهتاب یوسف پور، متولد شهر باران های نقره‌ای، کارشناس روانشناسی و کاردانی شیلات، شاعر و ترانه سرا، عضو انجمن شعر و ادب شهرستان رشت می باشد.

لطفا خودتون برای مخاطبین ما معرفی کنید؟

مهتاب یوسف پور، متولد شهر باران های نقره‌ای، کارشناس روانشناسی و کاردانی شیلات، شاعر و ترانه سرا، عضو انجمن شعر و ادب شهرستان رشت، عضو هیئت مدیره ی انجمن شعر و ادب ارشاد رشت در سال های ۸۶تا ۹۰، عضو هیئت مدیره ی انجمن شعرو ادب مستقل رشت در سال های ۹۵ تا ۹۷، مؤلف مجموعه شعر «الهه ی سنگی» و چاپ اشعار در ۱۲ کتاب مشترک با شاعران مطرح کشور و استان و دارنده‌ی مقام های کشوری و استانی

آثار چه شاعرانی را مطالعه میکنید و در سرودن تحت تاثیر کدام شاعر هستید؟

شعر به دنیای من طراوت و زیبایی می بخشید. اشعار بسیاری از شاعران خوب معاصر همچون استاد محمد علی بهمنی، مرحوم استاد حسین منزوی، مرحوم قیصر امین پور، فاضل نظری و اشعار بسیاری از شاعران مطرح که خواندن اشعارشان روح را صیقل می دهد. در ضمن خواندن اشعار عالیجناب سخن سعدی شیرازی، همیشه برایم دلنشین و روح نواز است.

اما اینکه در شعر تحت تأثیر کدام شاعر هستم باید بگویم سال هاست که شعر همراه لحظه های زندگی من است. بنده ارسال ۱۳۷۶شروع به نوشتن شعر کردم و در سال ۱۳۸۰ عضو انجمن شعر و ادب ارشاد رشت شدم و شعر را به صورت جدی تر دنبال کردم. افتخار من این است که در این سال ها تلاش کردم بیاموزم ولی هرگز تحت تأثیر شاعری شعر نسرودم.

موضوعات و مضامین اشعار شما بیشتر چیست؟

اشعار عاشقانه، اجتماعی و آیینی در قالب کلاسیک و ترانه. البته شعر سپید هم سرودم اما خیلی به ندرت

به علاقه مندان در حوزه هنر چه توصیه دارین؟

هنرمند باید امانتدار خوبی برای حفظ ارزش های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه‌ی خود باشد و هنر را در مسیر درست هدایت کند. اینگونه جامعه ای آگاه و با اصالت پرورش خواهد یافت.

اتفاق های جامعه هنری را چگونه ارزیابی می کنید؟

ارزیابی اتفاق های جامعه ی هنری مستلزم ساعت ها گفت و گو است. اما برای پاسخ به این سوال در چندین خط باید گفت که متأسفانه امروزه افرادی دیده می شوند که به اسم هنر خدشه ی بسیاری به جامعه ی هنری وارد کرده اند و از آنجا که بستر مناسبی برای پرورش مخاطبان آگاه فراهم نشده ممکن است در آینده با چالش های بیشتری در این زمینه مواجه شویم و خدای ناکرده نوجوان ها و جوانان ما قدرت تمییز هنر واقعی و اصیل را از به اصطلاح لوده گری های هنری نداشته باشند.

در واقع یک هنرمند کسی است که به هنر جان می باشد و آن را خلق می کن ،چه بسا رسالت سنگینی بر عهده دارد.به نظر بنده برای درک صحیح مخاطبان از هنر ،هدف اصلی ما باید ارزش گذاری هنر درست و با اصالت باشد.

ناگفته ها؟
علم و هنر را پایانی نیست و انسان در هر مرحله ای که قرار داشته باز هم نیاز به رشد و تعالی دارد، امیدوارم همه ی ما شاعران امانتداران خوبی برای ادبیات جامعه ی خود باشیم،سپاس از وقتی که در اختیار بنده قرار دادید ،پاینده و سرافراز باشید.

زندگی در باورم یک اتفاق ساده بود
عشق تعبیرش برایم پیش پا افتاده بود

در مسیر ممتد ناباوری های مدام
مقصد دلبستگی در انتهای جاده بود

توی تنهایی خود هر شب رژه می رفت دل
هم خودش سرباز بود و هم خودش
فرمانده بود

فکر هم حتی نمی کرد از قضای روزگار
یک نفر دل را به چشم سرکش او داده بود

لحن آرام نگاهش سرزمین مادری
جوی رگ‌هایش پر از مستی جام باده بود

قلب مهجورم چه ها فهمید بعد از عاشقی
سال ها انگار از روحش جدا افتاده بود

قدرت اعجاز چشمانش که بر جانم دمید
عزم من اندازه ی یک انقلاب آماده بود

من همانم که شبی در اعتراف عشق خود
در بلندای جهان آواز قو سر داده بود